



شبه 24 آذر 1394 - 07:44

نیروهای وفادار به مردم و انقلاب با لیست واحد می آیند

تلاش‌های پیدا و پنهان نیروهای ارزشی و انقلابی برای رسیدن به وحدت انتخاباتی به ثمر نشست و اخبار موثق رسیده به کیهان حاکی است این نیروها در نخستین و البته مهم‌ترین گام از همگرایی، به این نتیجه قطعی رسیدند که با لیست واحدی وارد گود رقابت شوند.

گزارش اختصاصی کیهان

نیروهای وفادار به مردم و انقلاب با لیست واحد می آیند

تلاش‌های پیدا و پنهان نیروهای ارزشی و انقلابی برای رسیدن به وحدت انتخاباتی به ثمر نشست و اخبار موثق رسیده به کیهان حاکی است این نیروها در نخستین و البته مهم‌ترین گام از همگرایی، به این نتیجه قطعی رسیدند که با لیست واحدی وارد گود رقابت شوند.

جریان مدعی اصلاحات با ارزیابی صحیحی که از موقعیت و جایگاه خود دارد، به خوبی می‌داند تنها شانس آنها برای موفقیت هرچند نسبی در انتخابات مجلس دهم، تفرقه در میان جبهه مقابل است. جبهه‌ای گسترده و دارای بدنه اجتماعی قوی در اقصی نقاط کشور که علی‌رغم اشتراکات فراوان، سلايق گوناگونی در آن وجود دارند و رقیب موفقیت خود را در فعال کردن این اختلافات تاکتیکی می‌داند. طرح موضوعاتی مانند اصولگرایان معتدل و تندرو و صحبت از سرلیستی برخی نیروهای انقلابی برای اصلاح‌طلبان را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. روی دیگر این سکه، ضعف ریشه‌ای و درد مزمن جریان مدعی اصلاحات است.

درد مزمن

مدعیان اصلاحات

مدعیان اصلاحات به دلایل مختلف دست خود را در میدان رقابت خالی می‌بینند و اصلی‌ترین عامل این ضعف نیز آن است که نمی‌دانند که هستند و چه می‌خواهند. نقطه ضعفی اساسی و ریشه‌ای که از آن می‌توان به عنوان «بحران هویت اصلاح‌طلبی» نام برد و خود نیز به آن واقف و معترفند.

رئیس مرکز مطالعات استراتژیک در دولت اصلاحات در این زمینه معتقد است همچنان یک گفتمان گیج و گنگ از اصلاح‌طلبی وجود دارد و با این حساب بهتر این است که اصلاح‌طلبان تا تکلیفشان را با خودشان و اصلاح‌طلبی معلوم نکرده‌اند وارد عرصه انتخابات مجلس نشوند.

چند روز پیش محمدرضا تاجیک مشاور خاتمی در دولت اصلاحات به روزنامه شرق گفت: هنوز هم‌پوشانی در تاکتیک و استراتژی راه و افق بطور دقیق مشخص نشده است. بنابراین نمی‌توانی پرچم اصلاح‌طلبی را به دوش بکشی، اما مسیری متفاوت را بروی و کماکان اصلاح‌طلب باشی. علتش این است که ما منشور مشخص اصلاح‌طلبی نداریم. یک گفتمان تعریف و تحدید شده اصلاح‌طلبی نداریم. یک گفتمان گنگ و گیجی از اصلاح‌طلبی وجود دارد که این مفاهیم هم در نزد همه اصلاح‌طلبان یکسان معنا پیدا نمی‌کند. ما با فقدان گفتمان و استراتژی و تاکتیک مناسب مواجه هستیم و فردای ما نوک دماغی است.

وی با اذعان به خالی بودن دست اصلاح‌طلبان ادامه می‌دهد: تصور من این است که در این جریان اصلاح‌طلبی ما 72 ملت داریم. به لحاظ تشکیلاتی هم یک نوع تشکیلات و لنگاری بر فضای اصلاح‌طلبی حاکم است و تشکیلات منسجمی با کادر مشخص و قوه آمرة و اتاق فکر مشخص و استراتژیست‌های مشخص که استراتژی‌ها را در سطوح مختلف به اجرا درمی‌آورند وجود ندارد. چه اتفاقی می‌افتد؟ در این شرایط در ساحت اصلاح‌طلبی یک مجمع‌الجزایر اصلاح‌طلبی داریم که در این فضاها، هر کسی به نوعی تاکتیک خاصی اتخاذ می‌کند برای اینکه اهداف مرحله‌ای خود را پوشش دهد... در فقدان این مسئله، برخی از اصلاح‌طلبان تاکتیکی اتخاذ می‌کنند و اسم آن را می‌گذارند تاکتیک عقلایی و می‌روند به سوی ریاست مجلس کنونی تا با او یک بلوک قدرت یا ائتلاف ایجاد کنند تا یک نوع تقسیم قدرت در آینده ایجاد کنند. یا سراغ برخی شخصیت‌های اصولگرایی قبلی می‌روند تا با برجسته کردن آنها و بر تخت‌نشاندن آنها و طواف دور آنها بتوانند به سهمی از کرسی‌های مجلس برسند. برخی هم به چهره‌های متفاوتی از اصلاح‌طلبی رجوع می‌کنند. برخی هم به چهره‌های آشنا و مقبول اصلاح‌طلبی که از گذشته مطرح

بوده‌اند، رجوع می‌کنند. برخی از رهبری اصلاحات در لایه‌های زیرین عبور می‌کنند.

چنین فضایی است که بعدها آشکارتر درباره آن صحبت خواهیم کرد. این فضا به نظر من نشان‌دهنده شکلی از عدم بلوغ است. محمدرضا تاجیک تصریح کرد: از نقطه نظر استراتژیک باید بگویم از نظر من خیلی به نفع جنبش اصلاح‌طلبی خواهد بود؛ اگر اصلاح‌طلبان واقعاً برای مجلس آینده برنامه‌ای ندارند و برای این فکری نکرده‌اند که وقتی اکثریت مجلس را احیاناً گرفتند، چطور می‌خواهند فضایی متفاوت را خلق کنند، بهترین راه این است که آن را واگذارند. چون در این صورت ضربه‌ای خواهند خورد که انعکاسش را در انتخابات ریاست جمهوری خواهیم دید. اگر نشستیم و برنامه ریختیم که چه اتفاقی بیفتد؛ فبها! برویم وسط و فضا را فراهم کنیم. اما اگر فردایی که وارد مجلس شدیم هرکس در فضای منفعتی خودش حرکت کند، عده‌ای با کارت قدرت بازی کنند، عده‌ای صدایشان عوض شود یا از فضای اصلاح‌طلبی عدول کنند و گفتمانشان دچار سایش شود و عده زیادی به «دگر» هم تبدیل شوند و هم را خنثی کنند، این بسیار به ضرر اصلاح‌طلبی خواهد بود.

تاجیک همچنین در گفت‌وگوی دیگری با روزنامه وقایع اتفاقیه تصریح می‌کند برخی اصلاح‌طلبان پیشینه سوسیال دموکراسی دارند، بعضی کاملاً چهره مذهبی دارند، بعضی دیگر به سمت طیف سکولار کشیده شده‌اند و منش لیبرالی اتخاذ کرده‌اند. البته این اعتراف تاجیک به 72 ملت بودن جریان مدعی اصلاحات، یک درد مزمن است که در بزنگاه‌های مختلف عود می‌کند. نمونه بارز این درد مزمن را می‌توان در فتنه 88 پیدا کرد که مدعیان اصلاحات همراه با کاندید مغلوب مدعی تقلب در انتخابات شدند و کسانی زیر این چتر گرد آمدند که اساساً نه اعتقادی به نظام داشتند و نه یک بار پای صندوق رای رفته بودند و ماحصل آن جریانی شد که از آن به عنوان «از سروش تا گوگوش» یاد می‌شود.

نقطه ثقل جبهه مقابل

در حالی که اصلاح‌طلبان از بحران هویت رنج می‌برند، یافتن محوری برای اتحاد در جبهه مقابل کاملاً مهیا بود. در جلسات مختلف میان سلايق گوناگون این جبهه حول دو محور اساسی اتفاق و وحدت نظر وجود داشت؛ وفاداری به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و تعهد نسبت به مشکلات مردم بخصوص در بعد معیشتی.

نیروهای وفادار به مردم و انقلاب در جلسات خود به این نتیجه رسیدند باید از نام‌ها و دوقطبی‌سازی‌هایی که عمدتاً از سوی رقیب انجام می‌شود فاصله گرفت و اجازه نداد با طرح دام‌هایی مانند اصولگرایی معتدل و تندرو، در این جبهه شکاف و انشقاق ایجاد شود. طبق اخبار موثق رسیده به کیهان، در تازه‌ترین این جلسات که نمایندگان اصلی و صاحب نام تمام سلايق اصولگرا در آن حاضر بودند، با آسیب‌شناسی روندهای پیشین این نتیجه قطعی حاصل شد که نیروهای متعهد و انقلابی با سلايق مختلف، با لیست واحد در انتخابات آتی شرکت خواهند کرد. بحث درباره مصادیق، شعار انتخاباتی و سایر جزئیات به جلسات بعدی موکول شده است و در آینده نزدیک جزئیات بیشتری از توافق صورت گرفته منتشر خواهد شد.

در حالی که نیروهای انقلابی اصلی‌ترین گام خود برای انتخابات پیش رو برداشته‌اند، باید منتظر ماند و دید حالا که تیر مدعیان اصلاحات برای ایجاد شکاف در جبهه رقیب به سنگ خورده است، از این پس چه رویکردی را در پیش خواهند گرفت. خود را به دولت می‌چسبانند و با پرچم اعتدال وارد میدان رقابت می‌شوند یا همچون لشکر شکست خورده تیری در تاریکی می‌اندازند و شورای نگهبان را مقصر ناکامی خود قلمداد می‌کنند. شاید همانطور که تاجیک گفت بهتر است پیش از هر چیز تکلیفشان را با خود روشن کنند، با دشمن و فتنه‌گران مرزبندی روشن کرده و بگویند نسبت آنها با مشکلات مردم، ارزش‌ها و آرمان‌های امام(ره) و انقلاب چیست و چه هدفی را از رسیدن به بهارستان تعقیب می‌کنند.